بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 23 دی 1394.

بحث در مورد روایات مسئله بود. یک روایت اسماعیل عن ابی بصیر قال سألت ابا جعفر عن امرأه مات ترکت زوجها رسیدیم. عرض شد این روایت ظاهرا با دو تا روایت دیگری که اینجا نقل شده است این سه روایت یکی هستند در اصل و سند هایشان به هم دیگر مرتبط است. یکی روایت رقم 15 باب، رقم مسلسل 45025 یکی رقم 17 باب 45027. حالا من این سه تا روایت یک سری بحث های عام دارد و یک سری بحث های خاص دارد. من ابتدا بحث خاص 45027 را با هم بحث می کنیم و بعد می روم روایت دیگری که هست یک مقداری بحث های متفاوت است. خب آن این است که ما عرض کردیم سه اسماعیل داریم که از ابی بصیر نقل می کند و آن بحث هایی که در جلسه قبل مطرح کردیم ولی به نظر می رسد که ایجا اصلا راوی سند اسماعیل نیست و راوی مشمعل است. اما نکاتی که باعث می شود ما این استظهار را بکنیم. به طور کلی من بحث تحریف را دیدگاهش را عرض کنم که چطور می شود ما یک سند را محرف تلقی می کنیم. ببینید اصل اولیه در عبارات این هست که ناسخین در این سند یا در این متن اشتباه نکرده باشند. اصاله الصحه در فعل ناسخ، اصاله الصحه در فعل راوی و امثال اینها اصل اولیه است. این اصل اولی بر این پایه است که خطای ناسخ و راوی نادر هست. این ندرت خطای راوی باعث می شود که ما به این اصل پایبند باشیم. گاهی اوقات یک نکاتی وجود دارد که آن نکات نادر هستند. وقتی مجموع نادرها را ما ضمیمه کنیم و با ویژگی هایی که در باب تحریفات رخ می دهد مقایسه کنیم میبینیم که تحریف رخ دادن طبق ضوابط و قواعد تحریف هست، احتمال تحریف اینجا تقویت می شود. چون در واقع ما اصاله عدم التحریف بر پایه ندرت تحریف بود. اگر این ندرت تحریف با ندرت یک امر دیگری تنافی داشته باشند، اینجا گاهی اوقات اصالت عدم التحریف جاری نمی شود گاهی اوقات اصلا ما حکم به وقوع تحریف می کنیم. بعضی جاهایی که آن امور نادری که هست آنقدر ندرتش شدید است که در مقابل احتمال تحریف ما نمی توانیم به آن امور نادر ملتزم شویم و انسان اطمینان دارد که آن امور تحقق ندارد و اطمینان به وقوع تحریف ایجاد می شود. اصل پایه اصلی بحث های تحریف روی این نکته است. در اینجا چند نکته وجود دارد که مجموع این نکات را ضمیمه هم کنیم انسان مطمئن می شود که تحریف رخ داده است. اولا اینکه عن اسماعیل عن ابی بصیر در هیچ جا این تعبیر تکرار نشده است که اسماعیل بدون مشخصه از ابی بصیر نقل کند. و اینکه شاید چون اسماعیل اینکه بدون مشخصه ذکر کرده باشند یا باید از این جهت باشد که یک شخصی به نام اسماعیل معروف بوده است و اطلاق اسماعیل به او منصرف بوده است خب اینکه شخصی به نام اسماعیل که اطلاق به او منصرف باشد ما نداریم. این باید اسماعیل به اعتبار سند های قبل باشد. یعنی اگر اسماعیل صحیح باشد باید به اعتبار سند های قبل باشد که در سند های قبل با مشخصه ذکر شده باشد. یعنی آن معاویه بن حکیم باید از یک اسماعیل نامی نقل کرده باشد که با مشخصات ذکر شده باشد. معاویه بن حکیم اصلا از اسماعیل نام ذکر ندارد. حالا با مشخصه باشد یا بی مشخصه باشد و امثال اینها. به خصوص آن اسماعیل هایی که راوی از ابی بصیر بودند هیچ کدامشان در روایات معاویه بن حکیم وجود ندارند. این یک نکته.

نکته دوم که مهم تر از این نکته است این است که اینکه دو نفر دقیقا یک روایت را از ابی بصیر نقل کرده باشند و دو نفری که خیلی نام های مشهوری نیستند. اسماعیل که خیلی معروف نیست و مشمعل که آن هم معروف نیست. دقیقا یک متن را نقل کرده باشند. دو نفری که اسم هایشان هم از جهت کتابتی شبیه هم هستند. اسماعیل که اسمعیل نوشته می شود و مشمعل از جهت کتابتی شبیه هم هستند. خب خود همین فی غایه البعد هست. این مطلب را هم ضمیمه کنید که در روایت هر دو اینها معاویه بن حکیم هم حضور داشته باشد. معاویه بن حکیم هم در روایت اسماعیل و هم در روایت مشمعل باشد. اصلا معاویه بن حکیم روایت هایش از ابی بصیر یعنی روایت هایی که هم معاویه بن حکیم باشد و هم ابی بصیر باشد خیلی زیاد نیست. فرض کنید بعضی اشخاص هستند که مثلا کسی مثل حسن بن علی بن ابی حمزه با ابی بصیر در یک سند زیاد واقع هستند چون حسن بن علی بن ابی حمزه از یک سری افراد مثل عبدالله بن وضاح و حسین بن ابی العلاء، پدرش علی بن ابی حمزه و وهیب بن حفص از اینها خب زیاد روایت دارد این باعث می شود که حسن بن علی بن ابی حمزه و ابی بصیر زیاد در یک سند واقع باشند. ولی معاویه بن حکیم واقع شدنش با ابی بصیر در یک سند خیلی نیست. شما اینها را با هم مقایسه کنید تعداد روایاتی که این دو نفر با هم د ر یک سند واقع هستند خیلی کم است. حالا این که دقیقا معاویه بن حکیم و ابی بصیر در یک سند واقع باشند آن هم یک روایت واحد را تقریبا مشابه نقل کنند و آن هم این وسط کسی مثل اسماعیل باشد که این اسماعیل شبیه مشمعل باشد این مجموعه این هم که اصلا روایت اسماعیل عن ابی بصیر هم در جای دیگری نیست این مجموعه این جهات غریبه که کنار هم قرار گیرد آدم مطمئن است که این واقعیت خارجی ندارد و یک مشکله ای هست. و آن مشکله این هست که یکی از این اسماعیل و مشمعل باید محرف دیگری باشند. خب اینجا اصل تحریف با توجه به این بیان به نظر می رسد که مسلم باشد. خب مشمعل یک نام غریب تری هست از اسماعیل. قانون تحریف تبدیل نامأنوس به مأنوس است. این قانون مهمی یکی از مهمترین قوانین باب تحریف همین قانون است. و این است که ما در جایی که دو عبارت داشته باشیم دو نقل داشته باشیم یک نقل آن نامأنوس باشد و یک نقل آن مأنوس باشد اصل اولی این هست که آن اصل نا مأنوس اصیل هست. چون تبدیل آن نقل نامأنوس به مدنوس طبق قاعده تحریف است. ولی تبدیل مأنوس به نامأنوس طبق قاعده نیست اینکه مشمعل اسماعیل شود خب طبیعی است. چون مشمعل یک اسم خیلی غریبی است. ولی اینکه اسماعیل مشمعل بشود آن اصلا طبق قانون باب تحریفات نیست. خود همین اقتضا می کند که این که اینجا صحیح است مشمعل هست. علاوه بر اینکه آن نقل کافی که همین روایت را با یک مقدار تفاوت از طریق مشمعل عن ابی بصیر نقل کرده است خود همین هم تأیید می کند که آن چیزی که اینجا اصیل هست مشمعل است.

سوال: معاویه در اسنادی که ابی بصیر هست کم هست این چطوری اطمینان را تقویت می کند؟

پاسخ: یک موقعی هست که معاویه و ابی بصیر مثلا هزار تا روایت دارند. ما می گوییم خب از این هزار تا روایات ممکن است دو روایتش هم یکیش از طریق اسماعیل و یکی از طریق مشمعل باشد خب دو تا در هزار تا است. ولی اگر معاویه بن حکیم و ابی بصیر کل روایت هایش ده تا است. اینکه دقیقا در میان این ده تا دو تا نام واقع باشند که این دو تا نام بتوانند به هم دیگر تحریف شوند. یک موقعی از میان هزار تا شما می گویید دو نام ممکن التحریف با هم قراربگیرند خب خیلی بعید نیست. ولی اگر در میان ده تا دقیقا در ده تا دو تا هم به گونه ای باشند که بتوانند به همدیگر تحریف شوند. خب این خیلی بعید است. فرق است بین اینکه ما از میان هزار تا دو تا را می خواهیم بگوییم که می توانند به هم دیگر تحریف شوند یا اینکه از میان ده تا دو تا امکان تحریف داشته باشند. خب طبیعتا با هم دیگر نمی شود این دو را مقایسه کرد. این است که این مجموعه آدم را به این اطمینان می رساند که اینجا تحریفی رخ داده است.

نقل فقیه را وقتی مقایسه می کنیم با نقل تهذیب، یک نکته دیگری اینجا حالا غیر از اینکه اسماعیل باید تحریف مشمعل باشد، آن این است که در نقل فقیه بین معاویه بن حکیم و مشمعل کسی به نام علی بن حسن بن زید واسطه واقع شده است. این علی بن حسن بن زید در هیچ جا وجود خارجی ندارد. یعنی هیچ سند دیگری علی بن حسن بن زید ما ندیدیم. خب یک طرف دیگر همین روایت را دقیقا علی بن حسن بن رباط عن مشمعل عن ابی بصیر نقل کرده است. حالا الآن آن روایت فعلا معاویه بن حکیمی که آنجا هست را فعلا بگذارید کنار. این روایت فقیه را با روایت کافی مقایسه کنید که در روایت کافی علی بن حسن بن رباط عن ابن رباط عن مشمعل عن ابی بصیر این روایت نقل شده است. اینکه حالا علی بن حسن بن زید هیچ جایی وجود خارجی ندارد و فقط در اینجا واقع هست. در اینجا همین را علی بن حسن بن رباط عن مشمعل عن ابی بصیر عن ابی جعفر مشابه همین روایت را نقل کرده باشد به نظر می رسد که علی بن حسن بن زید و رباط هم از جهت شیوه نگارش شبیه هم هستند یعنی رباط را خیلی وقت ها سر هم می نوشتند و زید به گونه ای بوده است که شبیه کلمه زید می شده است. این خودش این را می رساند که زیدی که در فقیه وارد شده است مصحف رباط هست.

سوال: ...

پاسخ: علی بن حسن بن رباط راوی شناخته شده معروفی است. علی بن حسن بن رباط کسی هست که مشخص است معلوم است که همچین شخصی داریم. ولی علی بن حسن بن زید اصل وجودش فقط در اینجا هست. جای دیگر اصلا وجود خارجی در موردش نداریم. این است که

سوال: ...

پاسخ: حالا آن جهت هم هست که خود رباط از زید نامأنوس تر است .یعنی تبدیل رباط به، البته یکبحث هایی دارد من نمی خواهم الآن وارد آ« بحث ها بشوم. خود نامأنوسی و مأنوسیت گاهی اوقات نسبی است. یعنی از یک جهت یکی نا مأنوس است و یک جهت یکی دیگر نا مأنوس است. اینجا علی بن حسن بن زید خود این اسم، به طور کاملش در نظر بگیرید نامأنوس است چون هیچ جا علی بن حسن بن زید نداریم. ولی خصوص کلمه رباط و زید را با هم دیگر مقایسه می کنیم این زید هست که مأنوس هست و رباط نامأنوس است. این است که گاهی اوقات علتی که ما در واقع، از هر یک از اینها من جههٍ نا مأنوس است من جههٍ مأنوس است. این است که از این جهت گاهی اوقات نمی شود یکی از اینها را ترجیح داد بر دیگری به خاطر اینکه دو تا جهت نامأنوسیت وجود دارد که ممکن است نامأنوسیت کل منشأ شده باشد برای اینکه این تبدیل شده باشد به دیگری ممکن است نأمنوسیت این مثلا جزء خاص وجود داشته باشد.

سوال: ... مشمعل هم احتمال اینکه اسم خاص....

پاسخ: نه مشمعل یک راوی معروفی نیست. خاص بون چیز نیست. مشمعل کل روایت، در شرح حالش هم گفته اند که قلیل الحدیث هست. مشمعل راوی ای هست که کل روایتی که در مشمعل در کتب حدیثی شاید به ده تا نرسد . ده تا پانزده تا. من حالا همه روایت هایش را استقصا نکردم ولی کل روایت هایش همین شاید ده تا باشد دو تا برادر هستند حکم و مشمعل که هر دوشان روایت های کمی دارند و راوی های شناخته شده ای هستند ولی قلیل الحدیث هستند خیلی کم روایت. اما این است که به نظر می رسد که این یک علی بن حسن بن رباط در این طریق افتاده است و اسماعیلش هم مصحب مشمعل است. اینهایش خیلی گیر آنچنانی ندارد. کسانی که با بحث های تصحیفات و تحریفات مأنوس باشند خیلی زود اینجور چیزهارا چیز می کنند، حاج آقا یک موقعی می فرمودند که یک آقایی بودند یعنی از علماء می گفتند من یک موقعی در مغازه آقای غفاری با آن آقا چیز شدم من یک مطلب تتبعی و امثال اینها ذکر کردم آ« آقا خیلی استیحاج کرد علتش این است که بعضی ها از بحث های تتبعی و شیوه های این بحث ها نامأنوس هستند یک سری با قواعد های علمی خاص خو کرده اند اصلا اینجور، یک سری اصل های محسوسی، اصاله الصحه و این جور چیزها در ذهنیت هایشان انقدر پررنگ شده است که با اینجور چیزها اصلا انس ندارند. خدا رحمت کند مرحوم آقای خوئی با نوشتن معجم رجال خودشان خیلی این کمک را کردند که یک مقداری آن ذهنیت های خاصی که شاید قبل از معجم رجال حاکم بود تا حدود زیادی بحث های تصحیفات و تحریفات و آن بحث اختلاف کتب و اختلاف نسخ امثال اینهایی که در معجم رجال وارد شده است آن ذهنیت را تا حدود زیادی تعدیل کرده است ولی باز آن جور که یک کسی در این اسناد و این چیزها در عمقش وارد شود با آن کسی که در این بحث ها خیلی وارد نباشد ار اذعان این مطلب و اطمینان حاصل شدن اینکه تحریف رخ داده است یا خیر خیلی بینشان فاصله است.

مهم این دو تا سند نیست این دو تا سند تقریبا تکلیفش روشن است. عمده یک سند دیگری است که در کافی است که خیلی سند سختی است و هم اختلاف نسخه دارد و اینکه چطوری سر و ته این روایت را جفت و جورش کنیم خودش دشوار است. من سابق این را در توضیح الاسناد قسمت های چاپ نشده اش توضیحاتی در موردش داده ام. توضیح الاسناد در مورد سند هایی که در آن ها تحویل رخ داده است آن قسمت تحویلاتش کلا چاپ نشده است.. قسمتی که جاپ شده است بحث های مربوط به تحویل در آنها نیست. بحث تحویل یک بحث مستقل هست و من برایش در نظر گرفته بودم که حالا آنها را دیگر کی فرصت کنم و یک بار دیگر برگردم روی توضیح الاسناد نمی دانم. این بحث ها آقای حسینی دوست ما که بحث های سندی چاپ دار الحدیث از کافی را ایشان دنبال می کردند خب این یادداشتهای ما در اختیار ایشان هم بود و اینجا هم از نوشتجات من استفاده کرده اند و یک مقداری هم مطالبی را هم از من نقل کرده است. من فرصت نکردم به آن یادداشت های خودم مراجعه کنم و ببینم آنجا چه نوشتم و چه شکلی است بعضی از تکه هایی که از خودم نقل می کنم به نقل از حاشیه دار الحدیث است که آنجا، ولی خیلی از حرف هایی که آنجا زدم احتمال می دهم خیلی از حرف های دیگری هم که از من نقل نکرده است حرفهای من باشد. ولی حالا بعضی از حرفهایی که می خواهم بگویم اگر هم حرف های من باشد می خواهم از بعضی هایش برگردم و یک جور دیگر مشی کنم. چون مدل حرفهایی که هست حرف هاییی است که احتمالا من زدم. این است که حالا علی ای تقدیر این مطلب را این سند را یک بار دیگر دنبال کنیم. این سند را یک بار می خوانم

سوال: حاج آقا ببخشید سند قبلی فرمودید معاویه بن.... فاصله افتاده است این فاصله...

پاسخ: علی بن حسن بن زیاد که در آن روایت هست که محرف علی بن حسن بن رباط هست در این سند هم تحریف است.

سوال: یعنی افتاده است؟

پاسخ: بله افتاده است.

عن معاویه بن حکیم عن علی بن حسن بن رباط عن مشمعل عن ابی بصیر. خلاصه سند در اصل چنین بوده است. عن معاویه بن حکیم، یعنی آن سند فقیه از یک جهت درست است که به اصطلاح علی بن حسن بن زید در آن هست. البته خود آن علی بن حسن بن زید، زید آن تصحیف رباط است. یعنی سند فقیه از دو جهت کمک به سند تهذیب. یکی از جهت سقطی که اینجا رخ داده است و یکی از جهت تحریف مشمعل به اسماعیل. خب آن تقریبا بحث جدی ندارد. آن حالا بعد در مورد اینکه این روات وثاقت و عدم وثاقتش را بعد صحبت می کنیم. اما سند کاففی، سند کافی این هست یک بار می خوانم.

**حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد عن علی بن حسن بن رباط عن محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه**

اینجا و علی بن غابی حمزه در چاپ دار الحدیث واو را به عن تبدیل کرده است به اعتماد دو سه نسخه که به جای واو عن هست. ولی در اکثر نسخی که آنجا نقل می کند خود واو است. اکثر نسخ واو است ولی دو نسخه عن است. بعدش هست

**و عن ابن رباط عن مشمعل کلهم عن ابی بصیر قال قرء علی ابو جعفر علیه السلام فی الفرائض امرأه توفیت و ترکت زوجها قال المال کله للزوج و رجل توفی و ترک امرأه قال للمرأه الربع و للبقی فللأمام**

عبارت عین همان هست فقط آنجا دارد که قرء علی ابو جعفر، آنجا دارد سألت ابا جعفر علیه السلام. که ما احتمال زیاد می دادیم که این قرء علی ابو جعفر درست نباشد و همان سألت ابا جعفر درست باشد. قاطی شده است یک نقلی ابو جعفر دارد، ابو بصیر یک روایت از امام صادق نقل کرده است و یک روایت از امام باقر. نقلی که از امام صادق هست آن نقل نقلی هست که امام علیه السلام از کتاب جامعه نقلی که از امام صادق هست از کتاب الجامعه مطلبی امام نقل می کند و اما نقل از امام باقر علیه السلام از کتاب جامعه نیست و مستقیم است. آن حالا بحثش قبلا گذشت. آن را حالا فعلا از آن جهتش نمی خواهم وارد شوم. خب اینجا هم در نقل فقیه و در نقل تهذیب هر دو اش سألت ابا جعفر هستند و قرء ابو جعفر نیست. آن قرء ابو جعفر فقط در همین نقل کافی است.

اینجا و عن ابن رباط این شکی در این نیست که در عبارتتحویل رخ داده است و این ابن رباط همان علی بن حسن بن رباطی هست که قبلا ذکر شده است. و عن ابن رباط عن مشمعل، که این ابن رباط همان علی بن حسن بن زیاد که همان زید هم گفتیم که مصحف رباط است، عن مشمعل یعنی عن ابن رباط عن مشمعل عن ابی بصیر عن ابی جعفر از این جایش، همان نقل فقیه هست که بعد ز معاویه بن حکیم آن، علی بن حسن بن زید که آن زید رباط، عن مشمعل عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام. تا اینجایش مشکل خاصی نیست. مشکل قضیه در واقع این است که ببینید یک نسخه این هست که، نسخه ای که در چاپ دار الحدیث متن قرار داده است، عن محمد بن سکین عن علی بن ابی حمزه عن مشمعل. بعدش می گوید و عن ابن رباط عن مشمعل کلهم عن ابی بصیر. این کلهم این وسط چه کاره است؟ آن طریق قبلی به مشمعل منتهی می شد. این طریق دوم هم به مشمعل منتهی می شود. کلهم عن ابی بصیر این وسط چه کاره است. خب این خیلی عبارت نسخه بدی هست. خب اما اگر این و علی بن ابی حمزه باشد، آن و علی بن ابی حمزه باز ابتدائا آن چیزی که به ذهن می رسد این است که علی بن حسن بن رباط کأنه از دو تا راوی نقل کرده است محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه این دو تا راوی عن مشمعل نقل کرده اند و مشمعل عن ابی بصیر نقل کرده است. این نقلی که بدوا به ذهن می آید چند مشکل دارد. یک مشکلش این هست که همان مشکل کلهم است. که باز راوی از ابی بصیر همان مشمعل شد فقط. کلهم یعنی چه؟ راوی از ابی بصیر یک نفر است این یکی. نکته دوم اینکه علی بن ابی حمزه راوی ابی بصیر هست. همین روایت را در نقل های دیگر از ابی بصیر مستقیم نقل کرده بود علی بن ابی حمزه. همین چند تا نقل ما داشتیم قطعه ای از این روایت. امرأه توفیت و ترکت زوجها، همین را علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر مستقیم نقل کرده است چند تا روایت دیگر داشتیم دیگر. که روایت همان در نقل کافی بود علی عن ابی بصیر، در نقلی که ذیل روایت وهیب بن حفص باز علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی جعفر، چند بار، بنابراین اینکه اینجا مشمعل واسطه شده باشد خیلی بعید است. علی بن ابی حمزه همیشه اصلا راوی از ابی بصیر است به طور کلی آن که هیچی. خصوص همین جا هم از ابی بصیر نقل کرده است اینجا یک دفعه بیاید آن مشمعل وسط واسطه بشود آن خب خیلی استغراب دارد و بعید به نظر می رسد. این نکته دوم. نکته سوم این که علی بن حسن بن رباط از مشمعل مستقیم نقل می کند کما اینکه طریق دومش مستقیم است. در طریق فقیهش مستقیم است. اینجا به توسط محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه نقل کرده است. این هم خودش یک نقطه استقرابی هست. طبیعی ترین نکته ای که اینجا می شود گفت این است که اولا محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه آن واو درست است. نسخه واو و نه نسخه عن که در چاپ دار الحدیث متن قرار داده است. عن مشمعل هم آن تصحیف واو باشد. علی بن حسن بن رباط از سه نفر نقل می کند. محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه و مشمعل. اینجا و کلهم هم خیلی خوب می شود. فقط اینجا یک مشکلی ایجاد می شود که این مشکل در پاورقی چاپ دار الحدیث هم ذکر شده است که احتمالا از من است به من نسبت نداده است ولی احتمالا از من است ولی می خواهم از آن که می خواهم بگویم بر میگردم همین مطلب است. علی بن حسن بن رباط طبق این احتمال به توسط این سه نفر، محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه و مشمعل از ابی بصیر نقل کرده است. خب ابن رباط از مشمعل هم چون یکی از طرق آن است دیگر. تکرارش یعنی چه؟ اینکه یک بار می گوید علی بن حسن بن رباط به طریق این سه تا. یک بار دیگر می گوید ابن رباط به طریق این یکی. این یکی این وجهش چیست؟ این حالت لغویت پیدا می کند. ولی پاسخ این بحث لغویت این است که احتمالاتی اینجا وجود دارد که همه این احتمالات، این احتمال لغویت را مرتفع می کند یکی اینکه علی بن حسن بن رباط ممکن است در دوجای کتابش این روایت را آورده است. یک جا به توسط این سه راوی آورده است. یک جا به توسط این یک راوی اورده است. اینکه ایشان دو تا قرار داده است به دلیل اینکه از دو نقل مختلفی که علی بن حسن بن رباط داشته است، این دو نقل را نقل کرده است. یک بار علی بن حسن بن رباط به توسط سه تا راوی نقل کرده است. یک جا علی بن حسن بن رباط به توسط یک راوی نقل کرده است. چون نخواسته است کلینی دو نقل مختلفی که وجود دارد را در هم ادغام کندو. یک بار دو نقلی است و یک بار یک نقلی است هر دو را این را جدا جدا کرده است...

سوال: عن مشمعل نباشد؟

پاسخ: نه و مشمعل است. و مشمعل است ولی یک جا هر دو فرض کنید دو جای کتاب علی بن حسن بن رباط این روایت نقل شده است. در یک جا به توسط سه تا راوی هست و در یک جا به توسط یک راوی هست. ایشان نخواسته است این دو تا نقل مختلف را در هم ادغام کند. خواسته است اشاره کند که علی بن حسن بن رباط یک جا به توسط سه راوی نقل کرده است و یک جا به توسط یک راوی نقل کرده است.

سوال: هر دو تا یک راوی بود می گفت المشمعل فلان را دوباره تکرار می کرد؟

پاسخ: ان نکته ای ندارد که این را تکرار کند. حالا اجازه دهید این توضیح هم بدهم

و اینکه اینها را در هم ادغام نکرده است ممکن است نکته داشته باشد و آن نکته اش هم این است که این نقلیات متنش متفاوت بوده است. یکی شان نقل به لفظ بوده است یکی شان نقل به معنا بوده است. من این احتمال را می دهم که علی بن حسن بن رباط یک جا به توسط در دو جای کتابش این روایت را نقل کرده است. یک جایش آن سه راوی بوده اند به توسط آن سه راوی نقل کرده است. یک جا به توسط آن تک راوی بوده است. و مثلا این نقلی که اینجا آورده است نقل آن سه راوی است. یعنی لغو، لفظی هست که بر اساس آن لفظ سه راوی است. آن نقل یک راوی که مشمعل است الافظش این نبوده است ولی مضمونش این بوده است کما اینکه ما در نقل فقیه و نقل تهذیب می بینیم که نقل فقیه و تهذیب چیزش فرق دارد. قرء علیِ ابو جعفر فی الفرائض در آن نقل نیست. سألت ابا جعفر است.

سوال: ... درست می کند آوردن به علی را. همچین فرضی هست اشکال ندارد. با توجه به اینکه بعدش یک لفظ بیشتر نیاورده است آوردن علی...

پاسخ: آهان، این هیچ مشکلی ندارد. اساسا این نکته را توجه داشته باشید. این که چند طریق را با هم ذکر می کنند مفاد این چند طریق این نیست که آن عبارتی که آنجا هست، عبارت همه مال چیز هست

سوال: قبوله ولی ... بالاخره یک فایده ای برای من داشته باشد.

پاسخ: فایده اش این است که ما می گوییم علی بن حسن بن رباط به دو طریق این را نقل کرده است. یکی طریق سه تایی هست و یکی طریق یکی هست. این خودش بالاترین فایده است. بحث این است که چرا اینها را تلفیق نکرده است در هم به خاطر اینکه نقل هایش عین هم نبوده است. اگر تلفیق می کرد این نکته ای که ما دو تا نقل داریم یک مقداریش با هم دیگر تفاوت دارد. این نکته را عرض بکنم در زمان های قدیم گاهی اوقات این نقل ها را با هم دیگر تلفیق می کردند گاهی اوقات می آمدند تصریح می کردند که لفظ مال کدام است. مثلا چند تا نقل را با همدیگر تجمیع، تجمیع متن می کردند و می گفتند اللفظ لفلان کس. لفظش مال چه کسی است. این تصریح می کرده است که لفظ مال چه کسی است. گاهی اوقات احیانا تفاوت های عمده لفظ ها را در ذیلش ذکر می کرده اند. ولی اینجور نیست که همیشه الزام داشته اند که بگویند لفظ مال چه کسی است و تفاوت هایش را بگویند. به خصوص یک عبارتی هست از حماد بن عیسی. می گوید که حماد بن عیسی روایتی هست در مورد زکات. می گوید این را من از یک گروهی شنیدم. این گروه بعضی هایشان از امام صادق تنها است. بعضی هایشان از امام باقر است. بعضی از هر دو است. بعضی از احدهما است من محصل مطلب را همه شان را نقل کرده ام ولی الفاظشان مختلف است. من الفاظ تک تکشان را نمی آورم آن چیزی که مجموعا، من حیث المجموع اینها هست، آن را من برای شما نقل می کنم. این را در یک سندی، الا لم یسقط عن جمع معناه، ببینید این تلفیق متنی که اینجا یکی از روش ها بوده است آن جا خیلی روشن می کند که این به چه نحو انجام شده است. این بحث تلفیق متون و اینکه گاهی اوقات این متن ممکن است مربوط به یک طریقش باشد، مربوط به همه طرقش نباشد الفاظ، این چیزهایی هست که اگر موارد تلفیق متون را انسان ملاحظه کند خیلی واضح است. مثلا گاهی اوقات تهذیب آدم می بیند در تهذیب یک روایت هست هم از طریق کلینی و هم از طریق حسین بن سعید نقل شده است. شما می بینید که این متن دقیقا با متن کلینی تطبیق نمی کند و یک اختلافات متنی دارد. خب اینجا ها نمی شود استظهار کرد که نسخه شیخ طوسی از کافی مثلا فرق داشته است. خیلی وقت ها از این باب هست که این تفاوت ها را در اینجور نقلیات اهمیتی به آنها نمی داده اند و آن اصل مطلب کلی.

سوال: این کار از حیث سند برای ما فایده ای نداشته است از حیث متن برای ما فایده داشته است..

پاسخ: بله لازم نیست از حیث سند فایده داشته باشد ایشان می خواهد اشاره کند که اینجا از دو طریق این روایت را علی بن حسن بن رباط نقل کرده است.

سوال: ... مشمعل هست در همان دلیل اول....

پاسخ: نه آن می خواهد بگوید که این دو طریق مستقل هستند. یعنی مستقل بودنش به خاطر این است که اشاره می کند که کأنه دو طریقی هستند که یک تفاوت متنی ای بینشان برقرار است. و این هیچگونه لغویتی ندارد و امثال اینها. البته اینجا من یک سری آدرس ها را می دهم. اینها همه بر اساس این هست که ما خود این سند را فی نفسه بخواهیم در نظر بگیریم. ولی یک سندهای دیگری هست که اینها را هم باید ملاحظه بفرمایید. من این ها را آدرس هایش را می دهم رفقا ملاحظه بفرمایند بعد باید به توجه به مجموعه اینها باید دوباره برگردیم ببینیم این احتمالی که مطرح می کنیم چقدر این احتمال قوی هست. در آن حاشیه دار الحدیث از من یک مطلب دیگری نقل شده است در ذیل همین روایت ببینید که بیبنیم آن احتمالی که آنجا ما سابق ذکر کردیم درست تر است یا این احتمالی که الآن داریم ذکر می کنیم. من حالا آدرس هایی که مرتبط با این سند هست عرض کنم. یکی کافی جلد 4 صفحه 448 حدیث 2 چاپ اسلامیه. من آدرس ها را که می دهم از اسلامیه است و البته چاپ اسلامیه چون دار الحدیث در حاشیه اش آدرس چاپ اسلامیه را هم دارد این است که بخواهید دار الحدیث هم مراجعه کنید با همین آدرس ها می توانید آنها را هم به دست بیاورید. جلد 7 صفحه 91 حدیث 3. تهذیب جلد 9 صفحه 269 رقم 979. تهذیب جلد 9 صفحه 283 رقم 1024. استبصار جلد 4 صفحه 146 رقم 547. کافی جلد 7 صفحه 110 رقم 6. البته اکثر اینها را با کلمه مشمعل اگر بزنید اکثر اینها در میآید. غیر از سند اول که مشمعل در آن نیست بقیه را مشمعل بزنید این سند ها در می آید حالا این را ملاحظه بفرمایید یک قدری این سند، خیلی سند سختی است حالا ببینیم آنها را چه کار کنیم آنها هم یک معزلی دارند.

سوال: آن ابن رباط اول اگر بگوییم اضافه است بگوییم حسن بن محمد مستقیم از محمد بن سکین نقل کرده است چه اشکالی دارد؟

استاد: چی؟

سوال: حاج آقا حسن بن محمد سماعه اگر مستقیم از محمد بن سکین نقل کند

پاسخ: حالا آن را هم ببینید. آخه این اضافه بودن همین جوری نمی شود. باید نکته ای در اضافه شدن داشته باشد. آخه ببینید بحث هایی که یک دفعه بگوییم این اضافه است، اضافه همین جوری که اضافه نمی شود ولی خب همان را هم حالا من آن نکته ای که شما مطرح می کنید که روایت حسن بن محمد بن سماعه عن محمد بن سکین روایت های محمد بن سکین را هم شما ببینید حالا من فقط این آدرس هایی که خیلی نزدیک به این روایت بود چیز کردم . اصلا روایت های محمد بن سکین را هم ببینید این مجموعه را ببینیم شنبه با این روایت چه کار می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد